



فقر و تنگدستی مردم روستا نشین در بخش های بزرگ افغانستان در حال افزایش است. باوجود موجودیت یک دهه کمک های انکشافی که تغییرات محسوسی را در بهبود نظام آموزش و پرورش، خدمات صحتی، و برق به میان آورده است؛ خشکسالی در ولایات شمال بسیاری از خانواده ها را در تهیه غذای روزمره، آموزش و پرورش اطفال، و مصارف گزاف و رو به افزایش ازدواج ها غرق ناتوانی و نگرانی ساخته است. این نگرانی و فقر رو به افزایش مخصوصاً در مناطقی بیشتر محسوس است که محدودیت های منع کشت تریاک همزمان با خشکسالی طویل المدت در آنها تطبیق گردید. بحران مالی جانی نیز با تزئید نرخ اجناس و مواد اولیه هنگامیکه خانواده های متعددی نمیتوانستند از عهده نرخ بلند مواد مورد ضرورت شان برآیند، وضعیت را بد تر ساخت. در نتیجه، معیشت مردم زیادی در این مناطق نسبت به آغاز دهه حاضر، نا امنتر و نا مساعد تر گردیده است.

پژوهش واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان که در این اواخر در ولایات کندهار، بدخشان، و سر پل انجام یافت چگونگی تغییر وضعیت امن معیشت روستایی را میان سالهای ۱۳۸۲ و ۱۳۸۸ به بررسی میگیرد. مصاحبه های کیفی تفصیلی با نماینده گان مرد و زن ۶۴ خانواده در ۸ قریه، فرصت ها و تهدید های را مورد بررسی قرار میدهد که مردم این مناطق با آنها دست و پنجه نرم میکردند، چگونه با این عوامل مقابله میکردند، و تاثیر این فرصت ها و خطرات بر زندگی آنان چه بوده است. در ختم، ۴۵ خانواده از این جمع (۲۴ خانواده در ولایت سر پل، و ۱۸ خانواده در ولایت بدخشان) کاهش امن معیشتی در زندگی شانرا تجربه کرده اند. این تجربه به خانواده های نادار محدود نمیشد - حتی تغیر وضعیت امن معیشتی در خانواده های پولدار نیز گزارش شده است.

یافته های این مطالعه روی اهمیت کاهش فقر روستایی در حالیکه زمینه برای پیشرفت رشد اقتصادی در آجندای پالیسی را از دست میدهد، تاکید میکند. این تناوب، افغانهای نادار را که اگر به فقر رسیده گی صورت نگیرد، بعید است از رشد اقتصادی بهره مند گردند، در معرض خطر قرار میدهد. قسمیکه پالا کانتور میگوید: "کشمکش و مشکلاتی را که افغانهای متعدد روستایی برای اعاشه و ابطه خانواده هایشان متقبل و متحمل میشوند، نمیتوان نا دیده گرفت. پالیسی ها در گام نخست روی رشد و بازار ها توجه کرده اند و با نا دیده گرفتن اینکه کی و چگونه از آن بهره مند میگردد، بعید است به خواستهای بیشترین خانواده های نیازمند پاسخ مثبت بدهند و یا ضروریات اولیه آنها را مرفوع سازند." یافته های پژوهش معیشت روستایی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان بیانگر آنست که تلاشهای مجادله با فقر روستایی باید روی کاهش آسیب های زمین های مزروعی خراب شده، نا تندرستی، و مصارف گزاف ازدواج ها متمرکز گردد.

زمین های مزروعی خراب شده

عدم موجودیت زیربنا های آبیاری باعث شده تا خشکسالی مداوم ولایات شمال کشور را متاثر ساخته و مبارزه با این وضعیت را برای خانواده های متعددی در ولایات بدخشان و سر پل مشکل بسازد. کاهش تولید محصولات زراعتی امنیت غذایی مالکین زمین، مستأجر زمین، و کارگران زراعتی را همسان به خطر مواجه ساخته است. در نتیجه، بیشتر مردم مجبور به فروش مواشی شان شده، و با ختم شدن اندوخته های شان، برای خرید و تهیه غذای روزمره روی دسترخوان شان مجبور به گرفتن قرض گردیده و بطور قابل ملاحظه ی قرضدار شده اند.

اینگونه موارد خشکسالی در افغانستان که خانواده های روستایی را در معرض خطر از بین رفتن و یا خرابی حاصلات آنان قرار میدهد، غیر معمول نیست. به این واقعیت باید هرچه عاجلتر بطوری رسیدگی صورت گیرد که هر دو، دهاقین مستأجر و تولید کننده گان بازار را مد نظر داشته باشد. دستیابی محدود به زمین و ترس از اتکاء به بازار برای مواد غذایی مورد ضرورت شان، خانواده های زارع را وادار به الویت دهی در تولید حاصلات شان نموده است. معلومات بدست آمده از ارزیابی آسیب پذیری و خطر در سال ۱۳۸۶/۱۳۸۷ بیانگر این است که ۴۴ فیصد افغانهای روستایی به زراعت منعیث منبع اولی درآمد؛ و ۵۴ فیصد اینها برای تامین مواد اولیه ی خانواده های خودشان به امور زراعتی میپردازند. این موضوع باعث به میان آمدن سؤالاتی در مورد چگونگی تمرکز فعلی پالیسی زراعتی و بهبود تولیدات برای بازار، میگردد. دهاقین اگر احساس کنند که تولید بازار تولید غذا را، مخصوصاً در مناطق دور افتاده کوهستانی جایی که حاشیه های امن معیشتی برای آغاز آن بسیار تنگ است، به خطر مواجه میسازد، ممکن با حرکت سریع به سوی تولید بازار در مخالفت قرار بگیرند. پالیسیها باید در درجه نخست برای کاهش تاثیرات خسارات زراعتی بر امن غذایی و سطح درآمد کار کنند. یکی از راه های نایل آمدن به این هدف از طریق میکانیزم بیمه محصول است. سکتور خدمات مالی کشور عمدتاً روی خدمات

قرضه دهی متمرکز است و در حال حاضر هیچگونه فرآورده های بیمه را پیشکش نمی کند. هرچند محدوده های قانونی و مشکلات ظرفیتی، موسسات قرضه های کوچک را از انکشاف چنین برنامه ها باز میدارد، اما استراتژی سکتور محافظت اجتماعی دولت این خلاء را شناسایی نموده و انکشاف برنامه های پس انداز و بیمه را برای نجات از اینگونه خسارات پیشنهاد و روی آن تأکید میکند. رسیده گی به این چالش ها جهت ارتقاء توانایی این سکتور به پاسخدهی به نیازهای مردم و تبدیل زراعت به یک انتخاب قابل اتکاء برای معیشت، باید در الویت قرار بگیرد.

نا تندرستی

هزینه های صحی، فشار مالی قابل ملاحظه ی را روی شانه های خانواده ها در گروه های مختلف ثروتمند گذاشته، اما مخصوصاً، وضعیت معیشتی طبقه نادار را به شدت فروکش نموده است. بحران های عمده صحی اکثر خانواده ها را به جانب فروش اثاثه منازل و یا قرضداری سوق میدهد؛ و حتی در بعضی حالات، خانواده ها به علت ناتوانی مالی، از معالجه امراض شان صرف نظر میکنند. ناتندرستی یک کارگر مرد، مخصوصاً، سبب ناداری چند خانواده گردیده و یا این وضعیت را افاده میگرد که این چند خانواده مطمئناً در حالت فقر و ناداری بسر میبرند. هزینه های معالجه، بعضی اوقات بیشتر از حد متوقعه افزایش می یابد و این به خاطر است که مردم با مقایسه خدمات صحی مراکز صحی دولتی، از مراکز صحی خصوصی برای معالجه امراض شان استفاده میکنند. معلومات بدست آمده از سروی وزارت صحت عامه جمهوری اسلامی افغانستان در سال ۱۳۸۵ نشانده آنست که بیشتر مردم به سطح کشور استفاده از خدمات صحی خصوصی را ترجیح میدهند - ۵۴ فیصد مصاحبه شونده گان از انواع مختلف خدمات صحی خصوصی استفاده میکردند و ۴۰ فیصد دیگر متکی به خدمات صحی دولتی بوده اند. این سروی از بار سنگینی که استفاده از خدمات صحی بر دوش وضعیت مالی خانواده ها میگذارد، نیز تعریف کرده و بطور تخمینی گفته است که یک خانواده هفت نفری طور اوسط مبلغ ۲۵۲ دالر را سالانه هزینه خدمات صحی مینمایند. رویهمرفته، این یافته ها نشان میدهند که هزینه فعلی معالجه، مردم را به گونه قابل ملاحظه ی در معرض آسیب پذیری ناداری و فقر قرار میدهد.

استراتژی سکتور وزارت صحت عامه این مشکل را تائید میکند. هرچند، پروژه آزمايشی تهیه پول خدمات صحی مبتنی بر محل را (با موفقیت مختلط) راه اندازی نموده است، اما هدف مستقیمی برای کاهش هزینه خدمات صحی ارائه نه نموده است. یکی از راه های تنظیم مصارف خدمات صحی، در قدم نخست و قایه است. این موضوع متقاضی بهبود وضعیت دستیابی و کیفیت در مراکز ارائه خدمات صحی دولتی است. بعلاوه، کار بیشتری برای انکشاف برنامه های بیمه که توسط مردم محل راه اندازه گردند نیاز است تا از بحران های عمده صحی که خانواده ها را به سوی ناداری و فقر سوق میدهد، جلوگیری بعمل آید.

هزینه ازدواج

رویدادها و محافل اجتماعی مثل جشن ازدواج موضوع مهمی برای خانواده ها برای تقویت روابط اجتماعی و نشاندگی عضویت شان در اجتماعات مردمی، به شمار می آیند. هرچند، هزینه چنین محافل بطور قابل ملاحظه ی بلند بوده و میتوانند امن معیشت خانواده در آینده را بگونه جدی در معرض خطر قرار دهد. در موارد متعددی، هزینه محفل عروسی، قامت خانواده را زیر بار قرض خم ساخته و مجبور به فروش اثاثه یا افزار تولیدی شان میسازد. حتی بعضی خانواده ها به علت بلند بودن قابل ملاحظه ی بهای عروس، نتوانسته اند پسرانشان را عروسی کنند. با در نظر داشت فشارهای که اینگونه مخارج و مصارف به با می آورند، اهمیت دریافت راه مناسب برای تنظیم و مدیریت اینگونه مخارج و هزینه ها، حیاتی محسوب میگردد. بطور ساده، تحمیل محدودیت های هزینه برای ازدواج، کارا نیست. به منظور مبارزه مطبوع برای کاهش فشارهای رقابتی، پیروی از رسوم و سنت ها، و احساس فخر در بلند کردن قیمت عروس؛ توافق، اجماع و یا رضایت و موافقت عمومی مردم محل روی مفیدیت ها و خوبی های محدود ساختن این مصارف باید به میان آورده شده و کسب گردد. دریافت راه های تشریک تجربیات قریه های که تطبیق برنامه های اعمال محدودیت روی هزینه های ازدواج موفق بوده اند، به دلیل مردمی بودن آن، یکی از راه های کسب رضایت آنان برای اعمال این تغییر شده میتواند.

آجندای پالیسی در افغانستان را اقتضاء سیاسی رهبری میکند. در موارد بیشماری، این امر به راه اندازی برنامه ها و استراتژی های منجر شده که بطور گسترده ی از تجربیات و خواسته های افغانهای معمولی ناشی گردیده اند. نتایج این مطالعه نشان میدهد که به عملکرد با هدف و با معنا برای کاهش فقر و ناداری در روستا ها نیاز است. تنها زمانیکه طبقه نادار فواید بدست آمده از رشد و امنیت را در زندگی خود عملاً احساس کند، افغانستان به هدف صلح پایدار و امنیت اقتصادی همیشگی نزدیکتر میشود.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان موسسه مستقل پژوهشی مستقر در شهر کابل است که هدف آن انجام و عرضه پژوهش های با کیفیت در عرصه های مختلف جهت آگهی دهی، و استفاده از آنها در تاثیر گذاری روی پالیسی ها و فعالیت های گوناگون میباشد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با تقویت و ارتقا ظرفیت های تحلیلی و ایجاد فرصت برای تفکر و بحث، میکوشد تا فرهنگ پژوهش و آموزش را در این کشور بیشتر ترویج دهد. این اداره، همچنان، سعی مینماید تا زمینه های بازتاب اندیشه ها، مباحث علمی، و مناظره های را فراهم سازد که پنداشته میشود باعث بهبود و پیشرفت فکری و ذهنی در ابعاد مختلف در زندگی افغانها میگردد.